



قسمت اول صحبت استاد

بحشمنون منجی در ادیان است.

تقریباً سال 87 بود که خدا توفیق داد ما با مرکز تخصصی مهدویت آشنا شدیم، ما کلاس‌های متعددی رو گذروندیم، درس‌های متعددی، که حالا شاید شما خیلپاش رو هنوز تو مجموعه نگذرونده باشید، و یکی از مباحثی که واقعا نگاهم رو به جریان مهدویت عوض کرد همین بحث منجی در ادیان بود و دیگری هم بحث فرّوق و ادیان. بعد از شنیدن این دو تا بحث، کلا مسیر بنده تو حوزه‌ی مهدویت مشخص شد، بحمدالله خدا هم توفیق داد و توفیقات این شد که ما دنبال این دو تا بحث رفتیم و الحمدالله نگاهم خیلی به جریان مهدویت بازتر شد.

چرا دارم اینو میگم؟

ما هر چی تا الان در مورد مهدویت گفتیم منجی در اسلام بود، ولی وقتی شما بحث منجی رو تو ادیان دیگه هم می‌بینید که چقدر این نزدیکه به منجی در اسلام، دلتون قُرض تر میشه، مثلاً فرض بفرمایید جانشینی امیرالمومنین علی (علیه السلام) رو که در منابع اهل سنت می‌بینید دلتون قرص تر میشه، این سند بر اون اسنادی که تو دلمون بود. وقتی وجود نازنین امام زمان (علیه السلام) رو توی روایتی از اهل سنت می‌بینید می‌گید یه سند به اون اسناد قبلی ای که تو دلمون بود اضافه شد، خیلی قرص تر و محکم تر می‌شید... دقیقاً منجی در ادیان هم همین، وقتی شما می‌بینید نکاتی که در اسلام عزیز وجود داره در کتب مقدس بعضی ادیان دیگه هم وجود داره شگفت زده می‌شید، مثلاً در قرآن میگه « **وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ** - انبیاء آیه 105 » شاید تا به حال با این نگاه، توجه نکرده باشیم: "لقد کتبتنا" ما نوشتیم، کجا؟ "فی الزبور"، تو کتاب زبور داوود، "من بعد الذکر"، این کتاب زبور داوود بعد از کتاب ذکرة، چی گفتیم؟ "ان الارض"، اینکه زمین "یرثها"، به ارث می‌رسد به کی؟ "عبادی الصالحون"، به عباد صالح، وقتی نگاه می‌کنید به اون عبارت می‌رسد، اون عبارت رو مطالعه می‌کنید، یک جان تازه‌ای به وجودتون تزریق میشه...

از همین اول، قدر این بحث رو من خودم حداقل می‌دونم شما هم بدونین.

فکر نمی‌کنم که تو جمع ما کسی هدفش فقط خودش باشه، یعنی بیاد فقط یاد بگیره و بره و یادش بره، ان شالله هدف این بوده که منتشر کنیم این مباحثی رو که یاد می‌گیریم، یعنی زکاتش رو بدیم. بنده به مدد همین بحث منجی در ادیان، تو دانشگاه فردوسی و علوم پزشکی یک بحثی رو شروع کردم تقریباً نزدیک دو ماه طول کشید، در مورد حجاب من صحبت کردم، خانومایی که می‌اومدن اونجا اول شاید موضع می‌گرفتند و ایناها، چقدر ما تغییرات می‌دیدیم و می‌اومدن ابراز می‌کردن که واقعا نگاهمون تغییر کرد. حجاب در پهلو اینه در مسیحیت اینه، کتاب مقدسونه... برین یک کتاب مقدس پیدا کنین بیارین تا بهتون همون‌جا نشون بدم، می‌اوردم نمونه کتابای متعدد، آقا این کتابا برین نگاه کنین، این آدرسارو می‌خوانین نگاه کنین، یعنی همه چیز تو این کتب هست میشه گفت.

تعریف منجی (نجات دهنده)

منجی یعنی نجات دهنده، یک کلمه‌ی کلیدی و خیلی مهم، شاید تا به حال به این نکته انقدر دقت نکرده باشین، تو همه‌ی ادیان یک کلمه‌ی بسیار تاثیرگذار و مهمه، نجات، اتفاقاً بهتون بگم همه‌ی ادیان الهی - بدون استثنا - بحث منجی رو دارن، همه موضوع منجی رو مطرح کردن، منجی یعنی نجات دهنده.

نجات از چی؟ مگه چه اتفاقی افتاده که حالا ما می‌خوایم نجات پیدا کنیم، من به خاطر اینکه بحث روان تر بشه یک قدری براتون ساده تر و با مثال بگم تا بریم سراغ اصل موضوع: یک آهویی که در چنگ پلنگی افتاده، وقتی میرین نجاتش میدین، نجات از چی بهش میگن؟ نجات از مرگ، یکی فقیره در فقر کامل و گرسنگیه، شما میرین مثلا بهش کمک می‌کنین، میگیم نجات از فقر، یکی در منجلاب فساد گیر کرده، شما میرین هدایتش می‌کنین، نجات از فساد، اینا همش نجاته... نگاه‌های ادیان هم متعدد است.

[البته ما باید اول ادیان رو تکفیک می‌کردیم: یک سری فرقه‌ها ساختگی دست بشره، دروغه، دین نیستند، یک عده هم که دین هستند اما تحریف شدند وگرنه نگاه همه‌ی ادیان الهی یکیه، یعنی اون نقطه تحریف شده، ولی موضوع نجات رو هیچکی نتونسته بذارش کنار، حتی ادیان دروغی اومدن موضوع نجات رو بهش پرداختن، نجات، حالا نگاه‌ها متعدده]

بعضیا میگن **نجات از بردگی و بندگی**، میگن ما یک زمانی در بهشت بودیم و بالاترین مقام رو داشتیم؛ بنده نبودیم اونجا، به خاطر خطایی که انجام شد ما رو بیرون راندن از بهشت اومدیم رو زمین، حالا شدیم برده، شدیم بنده، به بنده میگن چی؟ انجام بده، انجام نده، دستور بهش میدن این کارو بکن این کارو نکن، لذا به ما هم یک چیزی دادن به نام دین، دین چیه؟ تعریفش اینه "مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها"، پس لذا منجی باید ما رو چی کار کنه؟ نجات بده، از چی؟ از بردگی و بندگی، از بایدها و نبایدها، ما شبه خدا بودیم، بعضیا میگن ما خدا بودیم اصلا، یعنی یک نوع خدا برای خودمون بودیم، از این ما دور شدیم، لذا منجی می‌خواد دوباره ما رو برگردونه به شبه خدایی و نجاتمون بده از بندگی و بردگی.

بعضی ادیان خیلی نگاهشون بالاتر و بالاتره، امام زمان (علیه‌السلام) که بیان «**يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا**» - زیارت آل یاسین» امام زمان (علیه‌السلام) که تشریف بیارن، چی کار می‌کنن؟ ما رو از چی نجات میدن؟ **نجات از ظلم و جور**، و دنیا رو پراز عدل و داد می‌کنن. بعضی‌ها ممکنه بگن نه آقا جان ما واقعا هدفمون رهایی از ظلم و جور نیست که، امام زمان (علیه‌السلام) وقتی میان «**إِنْ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ - سوره حج آیه 41**» تازه می‌خوایم اقامه‌ی نماز کنیم، بندگی کنیم، من عرض می‌کنم اتفاقا دوباره برمی‌گرده به همین.

چرا نمازخون‌های ما، نمازخون واقعی نیستن؟ چون بنده نیستن و اینکه مانع هم وجود داره، مانع چیه؟ شیطان، مانع چیه؟ ما برخی پشت پرده‌های آفرینش را نمی‌بینیم، اونایی که میرن پای درس مثلا آیت الله بهجت می‌شینن فرق می‌کنن با اونایی که میرن پای درس به عده دیگه می‌شینن، شما باید می‌رفتین می‌دیدین، شاگردهای آیت الله بهجت رو می‌دیدین، چون آیت الله بهجت کی بود؟ کسی بود که حاج احمد، فرزند امام در خاطراتشون نوشتن که حضرت امام فرمودند: آیت الله بهجت تو سن بیست سالگی موت اختیاری داشتن! یک جوان بیست ساله را فرض کنید، تو عنفوان جوانی این بدن عین میت می‌افتاده، روح پرواز می‌کرده، روح می‌رفته کربلا، روح می‌رفته نجف، روح از بدن جدا می‌شده. وقتی مراجعه می‌کردن به بدن آیت الله بهجت می‌دیدن عین یک میت رو زمین افتاده، فکر می‌کردن ایشون از دنیا رفته! یعنی واقعا روح جدا می‌شده از بدن، کما اینکه پزشکی هنوز نتونسته حل کنه که طی الارض هم داریم، که با همین بدن یک درجه بالاتره، ما ائمه رو ندیدیم ما نمازخون ندیدیم، برخی از ما واقعا اقامه کننده نماز نیستیم، ما اون شیرینی و حلالت رو تجربه نکردیم. لذا همین ظلمی که شیطان داره به ما می‌کنه، وقتی امام زمان (علیه‌السلام) میان یا شیطان به غل و زنجیر کشیده میشه، یا نابود میشه، در هر صورت اما شیطان نفس که سر جای خودش، بعد کم کم این زمینه‌سازی اتفاق میفته، آیه 55 سوره نور رو بخونید میگه: وقتی حکومت تشکیل شد، بعد از مدتی «**يَعْبُدُونِي لَا يَشْرِكُونَ بِي شَيْئًا**» - سوره نور آیه 55 «خدا میگه به یه جایی مردم

می‌رسن که فقط من را عبادت می‌کنن، " لایَشْرُكُونَ بِي شَيْئًا "، احدی رو برای من شریک قائل نمی‌شن، این چه فضایی میشه، اینجا کم کم نفس تربیت میشه.

اما منجی در ادیان، همون آیه‌ای که الان گفتم براتون « وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ سوره نور آیه 55 » خدا وعده داد، به کی؟ " الذین آمنوا منکم " به اون کسانی که از میان شما ایمان آوردن، آیا ایمان تنها کافیه؟ نه، خدا دیگه چه وعده ای داد؟ گفت به کیا دیگه وعده داد؟ گفت " ایمان و عمل صالح " من مسلمونم ولی عمل صالحی نداشته باشم چه فایده داره، میگه نه، وعده خدا برای « الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَات - سوره نور آیه 55 » کنار ایمان عمل صالح هم انجام بدم. خدا چه وعده‌ای داده؟ "لام" این لام، لام تاکیده، خدا داره تاکید می‌کنه؛ « لَيْسَتِ خَلِيفَتُهُمْ فِي الْأَرْضِ - سوره نور آیه 55 » این‌ها را خلیفه کند در زمین، خدا وعده داد که اون‌هایی که ایمان آوردن و عمل صالح انجام دادن، خلیفه کند "فی الارض" در کجای زمین؟ الف و لام داره؛ یعنی در کل کره زمین بیاد خلیفه کنه، « كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ - سوره نور آیه 55 » خدا میگه قبل از این ما یک عده رو خلیفه کردیم، کی رو خلیفه کرده خدا؟ در کل کره زمین، حضرت سلیمان حاکم کل کره زمین شدند، خدا هم اینجا همین رو میگه، می‌فرماید: ما به عده‌ام خلیفه کردیم، ما قبل از این هم این کار رو کردیم، " فی الارض "، در زمین. اما خب محدود بود، کم بود، بعد می‌فرماید که « وَ لَيَمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ - سوره نور آیه 55 » ممکن می‌کنم براشون اینکه دینشون هم مثل حکومتشون جهانی باشه، یعنی چی؟ یعنی حکومت جهانی عدل الهی، دقت کنید! یک حکومت دینی ناب براشون برپا می‌کنم...

کدوم دین؟ «الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ - سوره نور آیه 55» این خیلی مهمه ها، کدوم دین؟ اولاً شما اگر این آیه رو برید نگاه کنید، این آیه مربوط به بنی اسرائیل، اما اینجا داره میگه که کدوم دین؟ «الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ» بهتون بگم هیچ‌جا عبارت اینکه خدا بگه من دیگه امروز راضی شدم از دینتون رو نداریم، مگر اونجایی که میگه « الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا - سوره مائده آیه 3 » اینجا رضایته، خدا میگه اون دینی رو برای شما ممکن می‌کنم، جهانی می‌کنم که "الذی ارتضی لهم" من بهش رضایت دارم ها، اون رو جهانی می‌کنم، اونجا خدا گفت دیگه راضی شدم، اونجا گفت دیگه همون دینی که از ابتدا می‌خواستم بهتون بدم به خاطر اینکه آماده بشید کم کم، کم کم، اینو تزریق کردم.

اول دینی که خب برای حضرت آدم بود و برای فرزندان حضرت آدم بود خیلی محدود بود، این جور نبود مثل الان که نماز و روزه و همه‌ی اینا مثلاً، نه یکم محدود بود تا اینکه خدا کم کم قوانین و توضیحاتش رو کاملتر کرد - خب کم کم مردم هم به یک درکی رسیدند - رسید به یه جایی که دیگه تمام احکام باید گفته می‌شد اونجا بود که دیگه دین خاتم و پیغمبرخاتم اومد و پیغمبر هم گفت که باید چی کار کنید؟ باید اونچه که کامل کننده دینه رو ابلاغ کنید، و اون ولایت امیرالمومنین (علیه السلام) و ائمه معصومین (علیهم السلام) بود که خدا اونجا گفت " الیوم اکملت " دیگه کامل شد، دین اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه وآله)، بعد میگه « وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمَنًا » تبدیل می‌کنم، کیا رو؟ « الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَات » رو تبدیل می‌کنم « مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ » بعد از ترسشون تبدیل می‌کنم به امن، یعنی چی؟ یعنی « يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا - زیارت آل یاسین » ظلم و جور ترس داره. ما باید قدر این نعمت امنیت رو بدونیم تو کشورمون ها...

تو برخی مناطق که تحت سیطره اشغال گرهای صهیونیستی قرار گرفته، مادره بچش میره بیرون، نمی‌دونه برمی‌گرده یا نه، شهید میشه یا نه، اینا ترس داره، خدا میگه: " مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمَنًا " بعد از اینکه اینا ترسیدن و یک خوفی به سراغشون اومد، من این خوف رو تبدیل به امنیت می‌کنم. تو کشور ما الحمدالله این امنیت به صورت نسبی وجود داره؛ تقریباً امنیت جانی داریم، اما امنیت از ابعاد سیاسی،

اقتصادی، فرهنگی... به اون صورت نداریم، اون دورانی که امنیت حداکثری حاکم میشه دوران پس از ظهوره. بعد خدا میگه "یعبدوننی" این حکومتی که من تشکیل دادم، این حکومت دینی بود. اینکه می‌فرماید تبدیل کردم خوف مردم رو به امنیت، اینجا یک فضا ایجاد میشه و مردم "یعبدوننی" فقط منو عبادت میکنن "لا یشرکون بی شیئا" هیچی رو شریک من قائل نشن «وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ - سوره نور آیه 55» کسی بعد از این بخواد مانع بشه، جلوگیری کنه، ایستادگی کنه "و من کفر بعد ذلک" هر کس بعد از این بخواد کافر بشه و حق رو بپوشونه، اینجا امام زمان (علیه السلام) با اون مقابله می‌کنه.

چرا من اینو گفتم؟ می‌خوام عینا این مطالبی رو که بهتون گفتم رو تو ادیان دیگه با هم ببینیم، ببینیم نجات از چی؟ ادیان رو از جنبه‌های مختلف دسته‌بندی کردند، من فقط دسته بندی ها رو می‌خوام بخونم و زود رد شیم: ادیان ابتدایی، ادیان قدیم، ادیان سامی، ادیان آریایی، ادیان پیشرفته، ادیان ساده، ادیان فلسفی، ادیان وحیانی، ادیان توحیدی، ادیان غیر توحیدی... تقسیم بندی‌های متعدد ادیان رو انجام دادن، مثلا چند نمونه اش رو بگم: ادیان پیشرفته: مانند ادیان بزرگ کنونی، اسلام، یهود، مسیحیت. ادیان ساده: در حد چند تا دستور خیلی کوچیکه. ادیان سامی: باز هم مثل یهودیت، مسیحیت، اسلام. آریایی: مثل ایران باستان، هندوستان، روم، یونان قدیم. ادیان غیر توحیدی: مثل هندوئیسم، بودیسم، شینتو ادیان توحیدی: مثل یهود، مسیحیت، اسلام

ادیان زمینی و آسمانی

متعدد اومدن تقسیم‌بندی کردن، یک تقسیم‌بندی ساده هم ما می‌گیم که شاید اینجا خیلی به درد ما بخوره اینه که «ادیان یا زمینی اند یا آسمانی» که راحت بشیم دیگه و یک ساعت نخوایم دنبال فلسفه چینی باشیم. ادیان آسمانی: ادیانی اند که پیامبرانشان از ناحیه‌ی خدا اومدن ادیان زمینی: ادیانی اند که ساخته‌ی دست بشره

ادیان زمینی که به درد تحقیق نمی‌خوره، چون ساخته دست بشره، اصول خاصی نداره که باز بیاییم تحقیق کنیم ببینیم چی میگه و چه کنیم... ما معمولا تو ادیان ساختگی تنها تحقیقی که می‌کنیم اینه که مثلا بنده میرم درمورد بهاییت تحقیق می‌کنم، دنبال چی ام؟ دنبال اثبات نبوت پیغمبر که تو اونجا نیستم، دنبال سوتی‌هاش هستم که باطلش کنم، این یه تناقض، این دو تناقض، یه اشکال، دو اشکال، سه اشکال... میرم میگم شما مشرکین، چرا مشرکین؟ اینجا گفتین خودتون، اینجا می‌گین خدای ما با خدای شما یکیه. غلط کردین گفتین، چرا؟ دلیل دارم، پنج تا دلیل دارم، چرا شما به اسرائیل نماز می‌خونین، اسرائیل قبله تونه؟ به قبرکی نماز می‌خونین؟ حسین علی نوری؟ حسین علی نوری مگه پیغمبرتون نبود؟ کدوم دین به سمت پیغمبرش نماز می‌خونه که شما چنین می‌کنین؟! برای چی جناب حسین علی نوری تو فلان جا برگشته گفته که از خونه می‌خواد بیاد بیرون " فلما اراد الخروج ذات الله العزيز الوهاب " زمانی که ایشون اراده کرده خارج بشه از خونه، کی؟ ذات الله العزيز الوهاب، ذات خدا! وقتی تو زندان بوده آورده اونجا، میگه که این خدای زندانی، عبارت خودشه، به خودش میگه خدای زندانی. یا تو لوح است که: روز تولد میرزا بها اومده " فیه ولد حقیقت الرحمن " در چنین روزی متولد شد حقیقت رحمان! بعد برمی‌گردن میگن «این کتاب آسمانی است و یک حرفشم کسی نمی‌تونه بیاره» قرآن نمی‌گه یک حرف، میگه یک

سوره رو کسی نمی‌تونه بیاره، این دیوانه‌ها میگن یک حرف نمی‌شه آورد، میگه "فیه ولده" در همچین روزی متولد شد! ما تو این کتابا می‌گردیم سوتیاشون دربیاریم، نمیریم بگیم آی اینجا رو نگاه کن، به این استناد امام زمان (علیه‌السلام) ظهور خواهد کرد.

پس اینو گفتم می‌خواستم بگم خیلی خودتونم زحمت ندین که برین سراغ ادیان ساختگی از تو اونا چیزی بخواین در بیارین، چون اونا همشون ساختگیه؛ ازاول تا آخرش، اگه چیزی هم آوردند از جای دیگه برداشتن نوشتن، انقد بی‌سواد بودن که از روش نوشتن! اما ادیان آسمانی ادیانیه که وحیانیه، ادیان الهیه محضه، از ناحیه‌ی خدا اومده، اما درسته تو یک جاهایی تحریف شده اما بالاخره به خود دین که ما اعتقاد داریم که، ما می‌گیم بله این کتاب مقدس پر از تحریفه، اما حضرت موسی (علیه‌السلام) که، بله یهودیت دین بوده، دین الهی بوده، مسیحیت دین بوده، دین الهی بوده، بعضی از علما می‌فرمایند زرتشت پیغمبر خدا بوده و کتاب داشته، احترام می‌ذاریم، درسته بعضیا به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) توهین می‌کردن، اما ما که اینکار رو نمی‌کنیم، شنیدم که البته اینا دست دشمن بود، اومده بودن همچین کاری با حضرت عیسی (علیه‌السلام) کرده بودن، کاریکاتور حضرت عیسی (علیه‌السلام) رو کشیدن، خب دیوانه، حضرت عیسی (علیه‌السلام) پیغمبر خداست، مثلا می‌خواد جواب اون کشیش مسیحی رو بده.

ادیان ابراهیمی و غیر ابراهیمی

ادیان الهی یا ابراهیمی‌اند یا غیر ابراهیمی.

پس ما یه تقسیم دیگه می‌خوایم انجام بدیم [پس تو تقسیم بندی ادیان، زمینی‌ها رو گذاشتیم کنار] می‌گیم ادیان الهی محض رو ما کار داریم که یا ابراهیمی‌اند یا غیر ابراهیمی، حالا چرا اسم دیگه‌ای رو نمی‌گیم می‌گیم غیر ابراهیمی، چون بزرگترین ادیان که در حال حاضر یهود و مسیحیت و اسلام است، این سه تا دین، پیامبرانشون از نسل حضرت ابراهیم هستند، ادیان دیگه که از نسل حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) نیستن، بهشون می‌گیم ادیان غیر ابراهیمی.

ما بعضی از منابع مون منابع اصیل و نابه، اما متأسفانه در حوزه منجی در ادیان خیلی منبع نداریم، و گاهی بر اساس برداشتها و مراجعات آقایونی بوده که مراجعه کردن و نکاتی رو ازش برداشت کردن و این اتفاق خیلی خوب نیست. در حوزه‌های مختلف علمای ما اومدن کتابی نوشتن، مستقیم ورود پیدا کردن. الان متأسفانه تو موضوعات مهدوی منجی در ادیان یه مقداری مظلومه، منجی در ادیان مظلوم‌تره، لذا در حد چندین مقاله و کتاب دم دست داریم که چاپ شده، ما خیلی منبع اصلی نداریم، منابع ما بیشتر همین خود کتابه یا مراجعه به کتب ادیان.

حالا بنده نمی‌خوام شخص رو تایید یا رد کنم، بلکه منظورم فقط نقل داستان: هیچ وقت اون لحظه تاریخی از زمان ریاست آقای احمدی نژاد برام فراموش شدنی نیست، سفری که آقای احمدی نژاد رفته بودن آمریکا یه دیداری داشتن با ادیان مختلف، تو همونجا، یهودیا بودن، مسیحیا بودن، زرتشتیا بودن، بودایا بودن، ادیان مختلفی اونجا بودن، آقای احمدی نژاد که براشون صحبت کرد خیلی جالب بود، که شروعش با این بود، ایشون گفت هممون یک منجی داریم، بیاین شروع مجلس رو با دعا برای اومدن منجیمون شروع کنیم، هرکسی با زبان خودش دعا کنه، بعد آقای احمدی نژاد پشت میکروفون شروع کرد دعای سلامتی امام زمان رو خوندن، خدا شاهده دوربین می‌رفت رو چهره اون سیاه پوسته، تمام صورتش غرق اشک بود، گریه می‌کرد برای اومدن منجی خودش، یک دفعه متحول شدند، حالا قرار شد هر کی برای منجی خودش دعا کنه ها، برای اومدن منجی خودش ذکر بگه، در اون نشست یک حالت ویژه‌ای پیدا شد.

بحث درون دینی

ما یک بحث درون دینی داریم یک بحث برون دینی، برون دینی با درون دینی با هم فرق می‌کنه.

فَرَقِ عَمْدَش اینه که تحقیق درون دینی یعنی: مثلاً ما می‌خوایم بریم در مورد یک دین تحقیق کنیم، مثلاً مسیحیت: یه بار مراجعه می‌کنیم به منبعشون؛ کتاب مقدس رو باز می‌کنیم می‌گیم، مثلاً در خصوص توحید می‌خوایم بحث کنیم، صرف نظر از هرگونه اظهارنظر در مورد این مطلب که آیا درست است یا غلط؟ فقط ما می‌خوایم در خصوص توحید بحث کنیم و مطلب در بیاریم، هیچ اظهار نظری هم نمی‌خوایم بکنیم، می‌گیم بسم الله. می‌ریم اول به مطلبمون مراجعه می‌کنیم، اینها می‌گن تثلث. تثلث چیه؟ تثلث رو وا می‌کنیم می‌نویسیم. آیا تثلث سه گانه پرستیه یا یکتا پرستیه دیگه نظر نمی‌دیم، ما فقط می‌خوایم بنویسیم اینجا نگاهشون به خدا اینه، تثلث، تا ته می‌نویسیم، این میشه تحقیق درون دینی.

حالا میام بیرون، می‌گیم از نگاه اسلام آیا تثلث یکتا پرستی ست یا سه گانه پرستی؟ می‌گه سه گانه پرستیه، حالا آیا این سه گانه پرستی توحید است؟ نه! پس چیه؟ شرکه، اینجا نقدش می‌کنیم، به این می‌گن **تحقیق برون دینی**.

برون دینی یعنی: بازتاب یک دین در جامعه و دید دیگران از بیرون دین، بازتابش رو می‌گن برون دینی.

درون دینی یعنی؟ سراغ منابع معتبر دین می‌ریم، از درون و با استفاده از منابع خودشون دینشون رو مطالعه و بررسی می‌کنیم، هیچ اظهار نظری نداریم، این درون دینی ست.

مطمئن باشید تا شما بحث درون دینی نداشته باشید، بحث برون دینی بی معناست، شما هنوز مراجعه نکردید ندیدین، نمی‌تونید حرف بزنید. و متأسفانه بهتون بگم، ما یک جایی رفتیم یه آقایی داشت صحبت می‌کرد، داشت مسیحیت رو نقد می‌کرد، و نقد او به ضرر مسیحیت، من رفتم گفتم آقا این حرفی که شما زدین غلط بود. (تو جمع ما مسیحی نبود) گفت تو از کجا می‌گی؟ گفتم این آدرسی که شما می‌گی اصلاً هم‌چنین آدرسی وجود نداره، شما تا حالا کتاب مقدس رو دیدی؟ گفت: بله، گفتم: میشه بیرسم اسم کتاب مسیحی‌ها چیه؟ گفت: انجیل، گفتم: نخیر انجیل نیست که، گفت: پس چیه؟ مجموعی از عهد عتیق و عهد جدید رو بهش می‌گن کتاب مقدس مسیحی‌ها، نیوتستامنت و اولدتستامنت (Old Testament / New Testament) هر دو با هم میشه بایبل (Holy Bible)، این کتاب مقدسه. کتاب مقدسشون می‌دونی چند صفحه داره؟ انجیلی که شما دارید می‌گید، من اینجا چند تا انجیل بهتون نشون بدم، این شروع انجیله، ببینید کجای کتاب مقدس ایناست، اینم پایانه انجیله، از 890 تا 1036، میشه چند تا؟ تازه این چهار تا انجیله‌ها: متی، لوقا، مرقس، یوحنا... شما می‌خوای آدرس بدی یکبار مراجعه کن، صفحه بزن چهار تا مقدمه‌اش رو بخون بعد بیا نقد کن، اگر فردا یه دونه مسیحی نشسته بود بلند می‌شد جواب می‌داد ضایع می‌شدی جلو اون همه آدم، می‌گفت این آقا داره دروغ می‌گه، یک جوونی‌ام مثلاً اونجا اخیانا یکم گرایش به مسیحیت داشت بلند میشد می‌گفت ایا دیدی اینا همه حرفاشون همین جوریه، همه صحبتاشون اینه.

پس ما مجبوریم برای بحث برون دینی، اول نگاه درون دینی داشته باشیم. به همین دلیل که ما می‌خواهیم از نگاه خود آنها بحث رو دنبال کنیم لذا خواهش می‌کنم هر جا نکته‌ای، شبهه‌ای، سوالی، موضوعی داشتید، بلافاصله اینجا بگید که ما بلافاصله حلش کنیم. بنده در جلسه ای بودم داشتم صحبت می‌کردم درباره به صلیب کشیده شدن حضرت عیسی (علیه‌السلام)، همه طلبه بودن، کلی که صحبت کردیم، آخر جلسه یکی از طلبه‌ها دست بلند کرد گفت حاج آقا، گفتم بله؟ گفت مگر حضرت عیسی (علیه‌السلام) رو حالا که به صلیب کشیدن قبرش کجاست؟ گفتم مرد حسابی دارم بحث درون دینی می‌کنم کجایی شما؟ پرتی؟ قرآن نخوندی؟ می‌گه ها راست می‌گی حواسم نبود کلا تو بحث گم شده بودم. یادتون نره‌ها مباحثی که داریم می‌گیم چون درون دینی، هر جا براتون شبهه‌ای پیش اومد

همونجا توقف کنین، علی‌الحساب ما فقط می‌خوایم مثلا مسیحی شیم، می‌خوایم یهودی شیم بریم یک مطالعه‌ای از کتابشون داشته باشیم، حرفای اونا رو می‌خوایم بگیم ها، نمی‌خوایم هنوز تحلیل کنیم.

کتاب مقدس

کتاب مقدس دو بخشه:

بخش اول: سه چهارم کتاب عهد عتیقه، تو کتاب من تقریبا 890 صفحه‌ست.

مابقی که یک چهارم کتاب مقدسه، بخش دوم: عهد جدید است.

اولدستامنت یعنی عهد قدیم، نیوآستامنت یعنی عهد جدید، اسم کل کتابش هم بائیل، هولی بائیل، یعنی قانون مقدس، این کتاب هم مال یهودی‌هاست، هم مال مسیحی‌هاست. کتاب یهودیا عهد عتیقه یعنی 890 صفحه‌ی اول مال یهودیاست اما اونا عهد جدیدی قبول ندارن که عهد قدیمی وجود داشته باشه، میگن اینا کتاب عهده - ما می‌گیم عهد عتیق اما اونها میگن عهد - عهد یعنی چی؟ یعنی یک دونه عهد، نه عهد جدید و قدیم!

پس اولدستامنت برای مسیحی‌ها معنا داره، درست‌ه کتابشون با هم یکیه، درست‌ه تو اون سه چهارم با هم مشترکن، اما یهودی‌ها این قسمت دوم (عهدجدید) از کتابشون حذفه و اصلا نیست، و قسمت اول رو قبول دارن، ضمن اینکه کتب دیگه‌ای هم دارن اینا، اتفاقا تورات که میگن بخش کوچکی از کتاب مقدسه، پنج تا سفر داره، سفر نکه عدد صفر ها! اسفار، که مجموعه‌ی توراته، من بهتون نشون بدم چند صفحه‌ست؟ از 890 صفحه که کتاب یهودی‌هاست، فقط 209 صفحه‌اش توراته، مابقی تورات نیست.

پس کتاب یهودی‌ها اسمش چیه؟ عهد.

کتاب مسیحی‌ها اسمش چیه؟ عهدین، یعنی دوتا عهد، اولدستامنت و نیوآستامنت. بخش دوم فقط مختص مسیحی‌هاست، بخش اول هم مشترکه بین یهودیان و مسیحیان، اصلا یهودی‌ها به هیچ عنوان قبول ندارن عهد جدید رو، عهد به چه معناست؟ در اینجا عهد به معنای پیمان است. در قرآن میگه "وعد الله" خدا وعده داد، پیمان به چی داد؟

عهد عتیق

عهد عتیق رو سه بخش کردن (کتاب زیاد داره‌ها) سه بخش عمده انجام دادن، شبیه کاری که تو قرآن انجام شده بلاتشبییه، مثلا در قرآن ما می‌گیم یک تقسیم آیه داریم یک تقسیم سوره، یک تقسیم جزء داریم، یک تقسیم حزب داریم، اینا همین جوریه یک تقسیم‌بندی کلی کردن، گفتن یک بخشش اسمش تورات، بخش اول تورات که گفتم بهتون، پنج تا سفر است، پنج تا کتاب خودش داره، پنج تا سوره تو خودش داره، یا تنخ یا تناخ، اسم دیگه اش است، مثل قرآن و فرقان، یک بنده خدایی اومد گفت حاج آقا قرآن کریم با قرآن مجید فرقش چیه، این حالا تنخ یا تناخ یا تورات، هر سه تا یکیه، اما اسماشون متعدده.

بخش دومش بلافاصله که این تمام میشه مثلا یک دفعه میگه یوشع، یوشع کیه؟ پیغمبره، می‌رین سراغ نبییم یا انبیاء: داستان‌های انبیا توش اومده، چرا می‌گیم نبییم نمی‌گیم نبین؟ چون این عبریه، کتاب مقدس عبریه، عبری به عربی خیلی نزدیکه، بخش سوم کنویم یا مکتوبات: نامه‌ها یا مکتوبات، خود تورات هم عبریه. جالبه اینا دو تا نسخه دارن یکی عبریه یکی یونانی، ترجمه‌های متعدد دارن اما دو تا نسخه به عنوان نسخه اصلیشونه: عبری زبان اصلی یا سبعینیه که یونانیه، بطلمیوس فیلادلفوس پادشاه مصر بود، این پادشاه میاد دستور میده 72 نفر دور هم جمع میشن و کتاب رو ترجمه می‌کنن به یونانی، چون می‌دونین اون موقع یونان برای خودش خیلی قیافه می‌گرفتند، می‌خواستن بگن ماییم و ما، ماهم یه چیزی داشته باشیم، نسخه‌ای ترجمه می‌کنن به یونانی، سبعین یعنی هفتاد، مشهور

میشه به هفتاد، ترجمه‌ای که 70 نفر ترجمه کردن، هفتاد دو نفره البته و این ترجمه می‌خواد یک نسخه بشه، اما جالبه نسخه‌ی اصلی عبریه، باید این ترجمه می‌بوده، اما نسخه‌ی عبری با سبعینیه چند تا تفاوت اصلی پیدا می‌کنه، چرا تفاوت مگه ترجمه نبود؟ نوشته عبری 39 کتاب دارد، سبعینیه 46 کتاب، هفت تا سوره بهش اضافه شد. خیلی جالبه!

ما مثلا ترجمه آیت‌الله مکارم رو نگاه می‌کنیم درسته سه کلمه‌ست، آیت‌الله مکارم ممکنه نیم خط نوشته باشن ترجمه، اما موضوع فرق می‌کنه، اما این اومده سوره اضافه کرده! هفت تا کتاب بیشتر! تازه تو 39 تا کتابی که مشترک اند، مطالب سبعینیه از عبری بیشتره، یعنی آیه‌هاش بیشتره! بهش چند تا آیه اضافه کرده! ترتیب کتابا باهم فرق داره، یعنی ما ترتیبی که الان بهتون گفتیم عبری بود که اول «تنخ، تنخ یا تورات» بعد «نبییم» که یعنی همون انبیا، و سوم «مکتوبات یا کتوبیم» بود، اینا حتی اینم تغییر دادن، برای خودشون! اصلا یک تقسیم‌بندیه دیگه‌ای راه انداختن!

تلنگر!

اینجا یک جای تلنگره، افتخار کنین 1400 سال داره از اسلام می‌گذره در هر مکانی هستید از تو قفسه یک قرآن در بیارین، صفحه بهتون میگم، صفحه رو باز کنین همین صفحه رو همین آیه رو اگر تشریف ببرید تو شاخ آفریقا، برین گینه‌ی بیسائو، کتاب باز کن همین صفحه، همین آیه رو برات می‌خونه، بدون هیچ تحریفی، برو تو مرکز وهابیت، برو داعش، بگو فلان صفحه، فلان آیه، همین رو برات می‌خونه، قرآن تحریف نشده.

خواستن حلش کنن، گفتن آقا آبروریزی شد! این هفتاد دوتا از کجا بهشون وحی شد؟ اینا رو برداشتن آوردن، یه بخشی از یهودی‌ها و مسیحی‌ها گفتن یه کار کنیم (چون مسیحی‌ها هم قبول داشتن این کتاب رو دیگه، چون کتاب مسیحی‌ها هم بود، مشترک بود) نشستن حل کنن آبروریزی شد، چه کنیم؟ علماشون نشستن این اضافات رو توش شناسایی کردن و از ترجمه کشیدن بیرون، گفتند ما اینها رو تحت عنوان کتاب‌های اپوکریفا (کتاب‌های مخفی و پوشیده) می‌کشیم بیرون، یعنی چی؟ یعنی ما نمی‌دونیم هدفشون چی بوده، شاید یک نسخه دستشون بوده تو اون نسخه‌ی اینا بوده، شاید مثلا اینا آدمای کمی نبودن که انتخاب شدن اینارو ترجمه کردن، نکته‌ای بوده که این نکات رو آوردن، شاید هم منافق بودن و چرت و پرت آوردن گفتن!

اپوکریفا، مخفی و پوشیده است بر ما، تو کتاب اپوکریفا اینا رو آوردن، چیکار کردن؟ کتابای اپ و کیریفایی رو یهودی‌ها و مسیحی‌های پروتستان به کلی انداختن کنار، گفتن اونا منافقانه نوشته شدن، گفتن اونها رو قبول نداریم. یهودیا و مسیحیان پروتستان، ارتدوکس‌ها و کاتولیک‌ها پذیرفتن و گفتن به عنوان قانون ثانویه [قانون اولیه نه] ما اینا رو می‌پذیریم و قبول می‌کنیم و بهش عمل می‌کنیم، و لذا اینا کتابای اپوکریفایی رو قبول کردن.

اما یک سوال: اگه واقعا کتاب تورات یک بخش کوچیک از عهد عتیقه یا انجیل، خب چرا تو خیلی از منابع دینی ما از کتاب این‌ها به عنوان تورات یاد می‌کنن؟ چرا انجیل میگن؟ من بهتون بگم احتمالا شاید شما اگر یک فیلمی هم ببینید بعد طرف بگه تو کتاب انجیل این اومده. این همه کتاب که این همه مطلب دیگه داره، یه بخش کوچیکش توراته یه بخش کوچیکش انجیله، چرا به همه‌ی این کتاب میگن انجیل؟ یا به بخشی از این کتاب که عهد عتیقه یهودیا میگن تورات؟ ماها می‌گیم حداقل تورات... یکی از پاسخ‌ها اینه که: علم شده، علم یعنی چی؟ یعنی اسمش شده، چون مهمترین بخشی که در کتابه، همین بخشه، شریعتشون اینجا اومده؛ خیلی از بایدها و نیایدها توی این قسمت اومده، لذا علم شده؛ یعنی نام‌گذاری شده، معروف شده، مشهور شده، به چی؟ به تورات. مشهور شده به انجیل.

اما وقتی می‌خوان آدرس بدن دیگه نمی‌گن انجیل، میگن تو عهد عتیق مثلا، بخش پیامبران مثلا، کتاب یوشع مثلا باب 20 آیه‌ی 13

موعود در یهود

خب موعود در یهود طبق کتاب مقدس [نه کتاب دیگه، نه نوشته‌های دیگه، نه چرت پرتایی که دیگران گفتن، طبق خود کتاب مقدس] ویژگی‌هایی داره، یکی از ویژگی‌ها اینه: اسمش چیه؟ اسم نداره! چندین وصف داره:

یک: پیامبر آخرالزمان است: اصلا چیزی در فرهنگ‌نامه‌ی اینها به نام امام وجود نداره، پس دقت کنید. پیغمبره و اینکه پیغمبر آخرالزمانه؛ اینا تو نگاه خودشون مهدی رو به عنوان آخرین پیامبر مسلمونا می‌شناسن. چند تا سند بهتون میگم: 1- این فیلمش کاملا مستنده، برید مراجعه کنید فیلم "مردی که فردا را دید" پیشگویی‌های نوستراداموس سال 62 انقلاب اسلامی ساخته شده، داره در مورد حضرت مهدی علیه السلام صحبت می‌کنه. یکی از بزرگترین تحلیل‌گرای آمریکا داره صحبت می‌کنه، اونجا وقتی از مهدی میگه، میگه که از پیامبران آخرالزمان از نسل محمد، اینجا وقتی صحبت می‌کنه میگه، پیغمبره، اینا همه رو پیغمبر می‌دونن. یعنی کلمه‌ی پیغمبر خیلی چیز عجیبی نیست هر کس از سمت خدا یه حرفی رو بزنه یا از ناحیه‌ی خدا فرستاده شده باشه بهش میگن پیغمبر. خب، آخرالزمانم نکته‌ی دومشه. پیامبر آخرالزمان.

دوم اینکه: زاده‌ی بیت لحم است: زاده‌ی بیت لحم یعنی یهودی‌زاده است. خانوما بیشتر از شما آقایون نگاه کردن و می‌دونن شما آقایون کمتر ولی شما هم شاید دیده باشید، بعضی از این کارتون‌های که ماها نگاه می‌کنیم یهودی است، همه دنبال ماماناشون می‌گشتن! یادتونه؟ مثلا هاچ زنبور عسل دنبال مامانش می‌گشت، بل و سبستین که دنبال مادرش می‌گشت، پسر شجاع که دنبال مادرش می‌گشت، یا فیلم مارکو رُسی که دنبال مادرش می‌گشت... همه دنبال مادر می‌گردن، مادر مهمه، یعنی چی؟ کسی یهودی‌زاده است که مادرش یهودی باشه!

یه جمعی از تهران اومده بودند ائمه‌ی جماعات دانشگاه‌های تهران بودند که اومده بودن مشهد، بعد توفیق شد ما رو دعوت کردند رفتیم دانشگاه تهران، اونجا یه بحثی رو ارائه دادیم، بعد از اینکه جلسه تموم شد یه جوونی اومد و خیلی هم قیافه‌اش هم بچه‌ی مثبتی بود خیلی شبیه این بچه سوسولا نبود، اومد جلو گفت: حاج آقا! می‌تونم خصوصی باهاتون صحبت کنم، گفتم: بفرما بگو، گفت: من می‌خوام یهودی شم بعد گفتم که یهودی؟ گفت: آره، گفتم برای چی یهودی حالا؟ گفت از اسلام خوشم نیامد! گفتم که از اسلام خوشت نیامد؟ گفت آره از اسلام خوشم نیامد، گفتم برای چی از اسلام خوشت نیامد؟ گفت خیلی محدود کرده ما رو... گفتم خیلی خب شرایطش رو داری؟ گفت: آره آمادگی کامل دارم. گفتم آمادگی نه، شرایطش رو داری؟ گفت: شرایط نداره که، گفتم: چرا، گفت: شرایطش چیه؟ گفتم مامانت یهودیه یا مسلمونه، گفت مسلمونه شیعه‌ست، گفتم بنی‌اسرائیلیه یا غیر بنی‌اسرائیلی؟ گفت غیر بنی‌اسرائیلیه گفتم ماهواره نگاه می‌کنی؟ گفت آره، گفتم کدوم شبکه ماهواره تبلیغ یهودیت می‌کنه؟ [شما می‌دونید که همین الان 98 درصد هالیوود از تهیه کنندگان‌شون از صاحبان شبکه یهودی اند، می‌دونین که خیلی از این شبکه‌های ماهواره هم دست یهودیاست، بسم الله به من بگین کدوم شبکه ماهواره‌ای داره تبلیغ یهود می‌کنه؟] هیچ کدوم، برای چی تبلیغ نمی‌کنن؟ سوال شده برای خودتون چرا یهودیا تبلیغ دین نمیکنن؟ مگه مال خودشون نیست؟! چون چیزی به نام تبلیغ در یهودیت وجود ندارد، مثل ما نیستن که! این جور نیست که، اصلا تبلیغ ندارن، برای چی ندارن؟ به خاطر اینکه ماها آدم حساب نمی‌شیم، اینا غیر خودشون رو آدم حساب نمیکنن!

سه: از نسل داوود باشد: من میگم اگر همه‌ش قبول کنیم این تیکش یکم وارداتیه، چرا وارداتیه؟ چون بهترین دوران یهودی‌ها عصر حضرت داوود(علیه‌السلام) و حضرت سلیمان(علیه‌السلام) بوده، حضرت داوود(علیه‌السلام) پدر حضرت سلیمان دیگه، دیگه بعد از اون اینا بدبخت شدن، اسارت بابلی، بخت نصر اومد دهن اینا رو سرویس کرد، معبدشون رو خراب کرد، اینا رو اخراج کرد، فرستادشون اینور،

زنانشون رو به بردگی گرفت، جووناشونو کشت، و همه رو از هم جدا کرد، و اتفاقا از وجود هولوکاست هم بعدا سوء استفاده کردن گفتن آقا ما همیشه بدبخت و بیچاره بودیم، بیایم برای این یهودی‌ها یک فکری برداریم به سرزمین موعودشون به سرزمین قدیمشون برگردونیم، یعنی وضعیتشون همیشه فلاکت بار بود، بهترین دورشون دوران حضرت داوود(علیه‌السلام) و حضرت سلیمان، آرزو دارن حتی منجی‌شون هم که می‌خواد بیاد از نسل داوود باشه.

چهار: پادشاه باشد: یهودی‌ها خیلی نژادپرست هستند، یعنی هر کسی نمی‌تونه بیاد در راس قرار بگیره، هر کسی نمی‌تونه بیاد رئیس جمهور بشه، باید از طبقه‌ی بالا باشه، از هر طبقه‌ای نمی‌تونه باشه، یا خون پادشاهی در رگش باشه، یعنی لیاقت پادشاهی داشته باشه، واقعا براشون بعضیا خیلی مهمه ها. الان خاندان پهلوی، می‌دونین دیگه قبل از پهلوی کی بودن؟ قاجار، اصلا قجریا پهلوی رو قبول نداشتن و الان هم ندارن، الان هنوز خاندان قجر می‌گن پهلوی‌ها، آخه رضاخان مگه کی بود که یک دفعه اومده درست کرده پهلوی رو؟ ماها از قبل پادشاه بودیم، ما خون پادشاهی تو رگمون بوده، نگاه کنین ملکه‌ی انگلستان، هر جا نگاه کنین این موضوع هست، حالا من اینو گفتم که نتیجه گیریشو بعد انجام بدیم.

پنج: ماشیح باشد: ماشیح یعنی مورد تایید خدا باشه، کسی که مورد تایید خداست در لسان یهود، اینو با یک روغن مقدسی تدهین می‌کنن، دهن، یعنی روغن، تدهین یعنی روغن مالیش می‌کنن، یک روغنی به سرش میمالن، بهش می‌گن ماشیح، یعنی مورد تایید خداست. یک اصولی دارن برای خودشون به مبنای اون اصول فرد انتخاب میشه. به هر حال اصلش اینه که مورد تایید خداست، شد پنج تا دوتا دیگه مونده.

شش: دین مدار باشد: دارم بر مبنای کتاب یهودیا می‌گم ها، قرار نیست یک حکومت پادشاهی صرف باشه، بلکه رسالت دینی هم داره! زبان تلویزیون اسرائیل عبریه، تو مدرسه بچه‌ها باید به زبان عبری درس یاد بگیرن چرا؟ چون عبری زبان اصلیه دینشونه، انقد اینا اصول دارن که سر این موضوع می‌مونن. اسرائیل حضرت یعقوبه، بنی‌اسرائیل فرزندان حضرت یعقوب هستند. دو سه اسم شهرهاشون اورشلیم مال شهر زمان حضرت داوود و سلیمان(علیهماالسلام) رو گذاشتن، هر اسمی گذاشتن مال اون موقعه‌ست، اسم تانکشون مرکاوا یعنی ارابه‌ی خدا. [ما چی می‌ذاریم؟ ذوالفقار] حتی روی اینا اصرار دارن، حکومتشون دینی ست، بعد اونا میان به بعضی روشن فکرهای خله ما، ببخشید اینجوری می‌گم، القا می‌کنن که دین به چه درد می‌خوره؟ دین از سیاست جداست، دین نباید تو سیاست دخالت کنه. کی بهتون همین گفته؟ برو تهش در بیار، همین یهودیا بهت گفتن، خودشون حکومت دینی دارن، خودشون مبناشون دینه، اا اونا دین مدار باشن ما نه؟

هفت: فرمانروای همه‌ی عالم است: در منطقه‌ی خاصی حکومت نمی‌کنه و همه‌ی عالم قراره دستش باشه.

آیا مشخصات منجی با منجی در اسلام

اینکه میگن یهودی زاده است، مادر امام زمان (علیه السلام) هم به روایتی قیصر روم است و از بنی اسرائیل است، حتی سر این موضوع امام می تونه احتجاج کنه، سر اون موضوعی که گفتیم کارتونها رو، سر اینم می تونه احتجاج کنه. از نسل داوود نیست. گفتیم این یه مقداری این بحث دل به خواهی و من درآوردی بوده، و حرفشون اینه که گفتن چون بهترین زمان دوران یهودیا، زمان حضرت داوود و سلیمان بوده این آرزو رو خلاصه یک جور و وارد کتاب کردن شبیه اون هفت تا کتابی که وارد کردن، اینم جزو هموناست برای خودشون ظاهرا درگذر زمان تو تحریفات مطالب رو آوردن. بعد میگن پادشاه باشه، حالا ما می بینیم امام مهدی علیه السلام اولاً از یک بابی بالاخره از ناحیه‌ی مادر می خوره به پادشاه، از ناحیه‌ی پدر هم از بخشی بالاخره دیگه سرور عالم، وجود نازنین پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و سایر انبیاء خب این خودش اون درجه‌ی والا رو داره.

ماشیح باشد؛ مورد تایید خدا، کما اینکه ما برای یک سری معیارها می تونیم این رو بگیم، شاید بعضا به خاطر غرض و مرض نپذیرند، خب یقیناً ما می تونیم بگیم آیت الله عظمای بهجت مورد تایید خدا بودند، می تونیم بگیم که خیلی از شخصیت‌های دیگه مثل وجود حضرت امام رحمت الله علیه جزو کسایی بودند که مورد تایید خدا بودند و اسنادی هم وجود داره که ما اینجا نمی‌خوایم بحث کنیم.

مورد بعدی اینکه دین مدار باشه، اون که صد در صد هست. پس صرف پادشاهی نیست بلکه یک رسالت دینی هم داره.

فرمانروای همه‌ی عالم هست که خوندیم آیات متعدد داریم که اصلاً بناست برای حکومت جهانی بیاد.

آقا حرف یکی ست دو تا نیست، امام هم یکی ست دو تا نیست، منجی هم یکی ست دو تا نیست، هممون دنبال یکی می‌گردیم... اما هر کی یه زبونی داره بالاخره، متأسفانه بعضی مواقع به خاطر تحریفاتی که متوجه کتاب آسمانی شده اینجا یک مقداری خلط بحث شده و طرف متوجه نشده... امام زمان (علیه السلام) که تشریف بیارن اتفاقاً خیلی دلایل خوبی هم با خودشون حضرت میاره... عیسی وقتی میاد با مهدی (علیه السلام) دیگه چی محکم‌تر از این می‌خوای برای مسیحی‌ها، مگه نمی‌گی ما مسیحی‌ایم؟ مگه نمی‌گی پیغمبرمون عیسی است؟ آقا بسم الله! عیسی (علیه السلام) داره میاد پشت سر مهدی (علیه السلام) نماز می‌خونه، ظاهراً اومده که ابتدا با هم تعارف هم می‌کنن، بعد حضرت عیسی میگه آقا شما شایسته‌ای که جلو و ایستی منم ره روی شما هستم، یعنی به دیگران می‌خواد بگه بسم الله! عیسی (علیه السلام) که امام ماست و پیغمبر ماست و دینمون مال اونه رفت پشت سر مهدی (علیه السلام) پس ما هم باید پشت سر مهدی (علیه السلام) باشیم...

اینم عرض کنم: کتاب مقدس گم شده‌ها! چون قدیم مثل الان نبوده که مثلاً فلان انتشارات چند هزار جلد از اون کتاب چاپ کنه، اون موقع رو چوب بوده، رو سنگ بوده، رو لوحای گلی بوده، روی پوست بوده، می‌نوشتن و جمع‌آوری می‌کردن. [من الان یادم رفته ولی ویل دورانت تاریخ‌نویس نوشته بود: زمانی که اسلام ظهور کرد کتابخانه‌ی مسلمانان از کتب دینی مثلاً چند هزار بوده با اینکه کلی از زمان حضرت موسی (علیه السلام) می‌گذشته است. تا زمان حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) کل کتابخانه‌ی این‌ها زیر صدتا بوده، اما اسلام آنقدر کتابخانه داره، آنقدر کتاب داره فقط تو زمینه‌ی اسلامی که اونها کتاب نداشتند، این تمدن در اسلام رو ببینید.] این کتاب گم میشه

و مدت‌ها این کتاب نبوده، یکی از دلایلی که اپوکریپ‌ها به وجود اومد و خیلی نتونستند اعتراض کنند، این بود که این‌ها حافظ بودند، البته بعضی روایات هم از ذهنشون رفته بود، 72 تا که انتخاب شدند حافظ بودند، اینا اومدند پیاده کنند ضمن اینکه ترجمه کنند در زمانی این اتفاق افتاد که کتاب مقدس نبوده! این رو هم بدونیدها، و این اتفاق افتاد، ولی بعدا ادعا شد که کتاب پیدا شده! همون کتابی که پیدا شده رو؛ اما بنده گمونم بهتره فقط کمی اشاره کنم!

کینگ سلیمان؛ اینقدر دارن میگن «پادشاه سلیمان»، اینکه الان میگن مسجد الاقصی را خراب کنید دوباره بنا کنیم معبد سلیمان رو، آرزو دارند و پدرشون حضرت داوود(علیه السلام) رو هنوز میگن ماشیح، منجی ما او خواهد بود، فرزندان او خواهد بود، می‌دونید کی بوده که؟ حضرت داوود(علیه السلام) طبق نقل کتاب مقدس (خواستید آخر بهتون عین آدرس رو بگم) حضرت داوود(علیه السلام) بابای حضرت سلیمان(علیه السلام) با یک خانم شوهردار زنا می‌کنه! بعد بچه‌ش میشه سلیمان(نستجیرُ بالله)، این سلیمان طبق کتاب مثلاً مقدسشون زنازاده است! اونم به زنا می‌محسنه! العیاذُ بالله! نگاهشون این جوریه! ببینید تحریف چیکار می‌کنه!

میگه لوط با دخترهای خودش هم‌بستر شد! بعد بچه‌هاش شدند چندتا قبیله! قبیله بنی عمون و مثلاً قبیله فلان از نسل حضرت لوط اند که از دخترش بچه‌دار شد! العیاذُ بالله!

اسم این کتاب چی بود؟ عهدین.

می‌خوام رو عهدین شون بحث کنم. چرا عهد؟ چون داریم در مورد یهودی‌ها بحث می‌کنیم نه مسیحی‌ها، یهودی‌ها یک کتاب رو قبول داشتند، عهدین نبود که، یک عهد بود. عهد یعنی چی؟ پیمان، سر چی؟ پیمان بر سر حاکمیت بر کل کره زمین، «لَيْسَتْ خَلِيفَتُهُمْ فِي الْأَرْضِ - سوره نور آیه 55» خدا باهشون عهد بست به یک شرط، به شرط اینکه چیکار کنند؟ به چی عمل کنند؟ به شریعت عمل کنند، به تورات عمل کنند، اگر به شریعت عمل کردند به حاکمیت برسند. بذارید من این رو راحت بگم: یک جمعی که می‌خوایم بریم کوهنوردی هم یک مسئول می‌خواد دیگه؟ این کلاس شما اگه همین جوری هیچکی مسئولیتش رو قبول نکنه شما جلسه بعد بلا تکلیف هستید! استاد کی اند؟ پذیرایی چی شد؟ برای چی حضور غیاب نکردند؟ برای چی امتحان رو نمی‌خوان بگیرند؟ مسئول کیه؟ همه به همدیگه نگاه می‌کنیم، هر جمعی نیاز داره یک نفر مدیریت رو به عهده بگیره، حتی یک کلاس، حتی یک گروه، حاکمیت رو کی رهبریش رو به عهده می‌گیره؟ به حاکم، چی میگن؟ میگن منجی، پس دعوا سر چی شد؟

اصل چی بود؟ اصل حاکمیت است، در شریعت یهود اصل حاکمیت است به شرط اینکه به چی؟ به شریعت عمل کنند، فرقی با ما چیه؟ (یه بحث برون دینی وارد مطرح کردم) شرط اسلام چیه؟ شرط شما اینه که شما حاکمیت جهان بشی، قرآن داره میگه دیگه، می‌فرماید که بله «ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ - سوره ذاریات آیه 56» می‌بینید چیه؟ برای چی امام حسین(علیه السلام) شهید شد؟ بر سر دین شهید شد.

اینجا می‌خوان از روی شریعت برسند به کی؟ به منجی شون، ما می‌خوایم با اماممون برسیم. لذا برای رسیدن به اون اصل خیلی باید تلاش کنیم، لذا اسم این کتاب رو گذاشتند چی؟ عهد، عهد بسته خدا که به ما حاکمیت بده، لذا شد اصلی‌ترین موضوع کتاب، منجی. فهمیدید برای اینا منجی چقدر اهمیت داره؟ اصلی‌ترین موضوع منجی است، حاکمیت است، یه عده آدم نفهم می‌خوان به زور بهش برسند، چی کار کردند؟ اومدند آلمان نازی رو بهانه کردند، کسی هم حق نداره تحقیق کنه دیگه، هر کی تحقیق کنه، هر کی خلافتش حرف بزنه، همین الان در اروپا اینترنتی دستگیرش می‌کنه و محاکمه‌ش می‌کنه که چی؟ که چرا تو دوباره هولوکاست حرف زدی؟! که چی؟ که این آقایون بر مبنای هولوکاست اومدند تو سرزمین موعودشون حاکمیت رو برای خودشون، نیل تا فرات اسمشه، نیل تا فرات منظورشون همه عالمه...

بگذریم! یهودی‌ها دو دسته شدند:

یه عده گفتند ما به شریعت عمل کردیم اما این همه گذشت، خدا به ما حاکمیت نداد، افراطی‌ها...

یه عده گفتند ما به شریعت عمل نکردیم...

دو گروه شدند. سوال: ما اگر منجی رو، موعود رو از یهودی‌ها بگیریم چه اتفاقی میفته؟ ما می‌خوایم یهود رو منهای چی فرض کنیم؟ منجی، اگه این شد، دیگه اصلا دین معنا نداره و نمی‌تونیم بگیریم یهودیت، وقتی که اصلش نیست، منجی هم نیست! اگر ما منجی رو فرض نکنیم دیگه چیزی به نام یهودیت باقی نمی‌ماند؛ اصلش موعوده، لذا جریان موعود باوری در یهودیت شَدیده، موعودباوری به نگاه خودشون‌ها...

کتاب تلمود

یک نکته‌ای بگم خیلی جالبه، اینها کتابی دارند به نام تلمود، یا تلمود تقریباً یک چیزی حدود 112، 110 جلد، شبیه بحارالانوار ما؛ کتابش طولانیه، 112 جلد. توش یک سری مکاشفات و کلمات سرشار از نژادپرستی وجود داره! یهودی‌ها اصول این که فقط خودشون رو آدم می‌دونند و بقیه رو آدم نمی‌دونند از همون کتابه می‌گیرند. اونا میگن غیر بنی‌اسرائیل رو خدا برای بنی‌اسرائیل خلق کرده، در خدمت بنی‌اسرائیل. اینها فقط خودشون رو بشر می‌دونن! میگن یک غیریهودی اگر با طناب داخل چاهی رفته بود، اشکال نداره، بر اساس اینکه اینا در خدمت شما هستند شما می‌تونن طناب رو برداری، اون تو بمیره هیچ گناهی نکردی! خیلی اصطلاحات عجیبی دارند! لذا با همون دینشون و اینهایی که عرض کردم، بحث موعود باوریشون خیلی قویه.

اثر موعود باوری در یهود

چه اثری داره؟

- 1- امید به تحقق وعده الهی دارند و اصرار دارند به عمل به شریعت، بنده بر مبنای کتاب دارم می‌گم ها
- 2- صبوری و آرامش دارند در تحمل مشکلات
- 3- وحدت قومی دارند. بر مبنای الهیات کتاب مقدس «قوم یهود» باید صالح باشند نه فرد، لذا باید قومی عمل کنند، بر مبنای همین باید قومی به یک نتیجه برسند، لذا وحدت قومی دارند.
- 4- تن به شریعت میدهند چون با شریعت به اون اصل می‌رسند، با شریعت به اون حاکمیت می‌رسند، لذا تن به شریعت میدند.

درباره اینکه موعود و منجی چه وقت خواهد آمد، میان آنها سه قول مطرح شده است:

- 1- کلاً تعیین زمان رو منع کردند، گفتند هیچکی حق نداره بگه کی منجی میاد، تعیین زمان ممنوع.
- 2- میگن احتمال داره فلان موقع بیاد تاریخ اعلام می‌کنند، با احتمال.
- 3- با قطع و یقین بیان می‌کنند.

ما با قول سوم کار داریم، قول سوم میگه در آغاز هزاره ی هفتم میاد یا بعد از 85 یوبیل میاد. 1- آغاز هزاره هفتم چیه؟ آغاز هزاره هفتم: دو هزار سال اول رو که میشه یک دوره، بهش میگن توهو یادتونه گفتیم که عبری شبیه عربیه، توهو یعنی چی؟ تهی، تهی

یعنی چی؟ خالی، خالی از موعود، یعنی دوهزاره ای که در آن اصلاً موعودی وجود نداشته، حرف از موعود هم نبوده. دو هزار سال دوم بهش میگوین، تورات، یعنی چی؟ یعنی شریعت، دو هزار سال سوم بهش میگوین، یوموت، یعنی چی؟ یعنی انتظار. در آغاز هزاره هفتم میشه ظهور، ماشیح.

آقا! هزاره هفتم کی هست؟ معلوم نیست، اصلاً نمی‌دونند، این دو هزار سال بر مبنای سال نیست ها، سال‌های میلادی نیست ها، سال یهودی هم نیست ها، دو هزار سال بر مبنایی که خودشون حساب کردند، اولش کی بوده حالا آغازش کیه خودشون نمی‌دونند! منتظرند. گروه دوم میگوین بعد از چی؟ 85 یوبیل، یوبیل هر چند ساله؟ هر 50 سال یک یوبیل اتفاق میفته، عید می‌گیرن، بهش میگوین عید یوبیل. الان چندمین یوبیله؟ نمی‌دونند، اولین یوبیل کی بوده؟ نمی‌دونند، پس شما چی می‌دونید؟ هر موقع اومد می‌فهمیم 85 یوبیل گذشته، کار رو راحت کنیم، پس اینم نمی‌دونند!

حالا گاهی می‌بینید یک کلمه‌هایی میگوین دو جنبه داره، دارن فیلم بازی می‌کنند تهش میگوین 2000، نمی‌دونم سال 2000 یادتونه یا نه؟ گفتند دو هزار، بهانه دیگری انجام دادند، گفتند که کامپیوترها همه صفر میشه از کار می‌افته، من یادم نمی‌ره! قبلش اخبار همش اعلام می‌کرد که FBI آمریکا از کار افتاد، تازه فکر می‌کنم که خیلی از بانک‌های ما، تشکیلات ما تازه سیستمی شده بودند، به هیاهو افتاده بودند اینا همه رو ریخته بودند تو کاغذ، دوباره ملا لعتی، می‌خواد این اتفاق بیفته، همه دنیا رو درگیر کرده بودند، چرا؟ گفتند یا ظهوره، یا نیست، ما این رو درگیر می‌کنیم، همه رو درگیر می‌کنیم، اگه بود می‌گیم ما منظورمون اینه، اگه نبود می‌گیم منظورمون این نبوده. منظور ما چی بوده؟ کامپیوتر بوده، نشده، سال 2000 شد این اتفاق نیفتاد، همین جور بیاید: 21 دسامبر 2012 مگه قرار نبود دنیا نابود بشه؟ مگه کلی مستند نشون ندادند؟ مگه فیلم نساختند 2012؟ چقدر براش فیلم ساختند، چقدر تحلیل شد، چقدر صحبت شد؟! ما تو همین برنامه موعود کلی در موردش صحبت کردیم، کلی تحلیل‌گرها، آقای نادر طالب‌زاده چندین جلسه ایشون پیرامون همین قضیه صحبت کردند، چی شد؟! اصلاً 21 دسامبر شد نامردها اصلاً صداس رو هم در نیاوردند، اینقدر قشنگ از روش رد شدیم، اصلاً به روشون هم نیاوردند چی بود بالاخره... بعد نگفتند ما می‌گیم، گفتند قوم ما یا می‌گند... بر اساس قوم ما یا ما داریم صحبت می‌کنیم.

یادتونه اول بحثم چی گفتم؟ گفتم وقتی شما دارید منجی در ادیان رو نگاه می‌کنید، نگاهتون نسبت به دین عوض میشه، در نگاهتون یک نقطه عطفی ایجاد میشه، امید بیشتر میشه، وقتی نگاه می‌کنید متوجه می‌شوید همان نکات رو که شما در اسلام یاد گرفته اید در ادیان دیگر هم به نوعی داره مطرح میشه، یک قوت قلبی پیدا می‌کنید...

کارکردها و وظایف منجی

کارکردها و وظایف ماشیح چیه؟ منجی ما که می‌خواد بیاد « **يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا** » هر کاری می‌کنه تا این قسط و عدل به وجود بیاد. حالا از کارکردهای ماشیح براتون بگم:

1- تشکیل حکومت جهانی و استقلال سیاسی: اسمش موعود بود. وصفش چی بود؟ ماشیح. ماشیح وصفش شد، اسمش شد، یعنی مورد تایید خدا، جناب ماشیح بناست تشکیل حکومت جهانی کنه و استقلال سیاسی.

2- زنده کردن مردگان برای داوری بین آنها: همه مردگان رو زنده می‌کنه رجعت، چه کسی؟ ماشیح.

3- داوری نهایی بین همه اقوام: همه اقوام رو میاره چه بنی اسرائیل، چه غیر بنی اسرائیل و شروع می کنند بین اینها داوری کردن، بعد چی کار می کنند؟ نابود کردن همه امت های مشرک. مثلا غیر یهود مشرک است دیگه، شما رو در میارن زنده تون می کنند، میگن آقا بنی اسرائیل هستید یا نیستید؟ تق می زنن می کشنتون! به خاطر اینکه بنی اسرائیل نیستید، پس چرا داوری می کنید؟!

4- اعطای قدرت جهانی به یهودیان بنی اسرائیل. بعدش میگن آقا این حکومت تقدیم به شما، شما رو به خیر، ما رو به سلامت! برید حال کنید تو این دنیا. اینم از وظایف و کارکردهای ماشیح، یک صلوات بفرستید.

مراحل آمدن ماشیح

1- صدایی به گوش می رسد: سه تا صداست ظاهرا: 1- صدای فریاد، 2- صدای رئیس فرشتگان، 3- صدای شیپور

صدا می رسه که این آقا ماشیح داره میاد، بعد ضد مسیح میاد، ضد مسیح از شیطان قدرت می گیره... رمز و علامتش 666 است، این از همین جا گرفته شده ها، من بهتون بگم کتاب آنتوان لاوی کتاب مقدس شیطان پرستان! یادتونه گفتم یهودی ها چیزی به نام تبلیغ ندارند، اتفاقا بخشی از کتاب مربوط به ضد مسیح، از روی این در آوردن، یهودی ها این جور تبلیغ می کنند، یک جریان شیطان پرستی درست می کنه اسرائیل، این جور تبلیغ می کنه، و جالب اینجاست از این خیلی سوء استفاده ها کردند، گفتند ضد مسیح کیه؟ امام زمان (علیه السلام)، گفتند امام زمان مسلمانا ضد مسیح! و این اسلام هراسی که شما الان می بینید، یا جریان داعش که تشکیل میشه. اینا همه هدف دارن!

2- نبرد قرقیسیا: چرا اینقدر موضوع هسته ای ایران رو بزرگ می کنند؟ هدف دارن! میگن ایران می خواد حمله کنه، چرا؟ چون یکی از جنگ هایی که امام زمانشون می کنه با بمب هسته ای! اتفاقا یه دونه جنگ هم دارن به نام آرماگدون، ما هم داریم تو روایات بهش می گیم قرقیسیا، اما جاهاش با هم فرق می کنه، محتواش یکیه، تو قرقیسیا اونا بهش می گن مسیح با ضد مسیح می جنگه، ما می گیم دو تا قوم شر با هم می جنگن، روایت ظاهرا این رو میگه، نمی دونم شما دیدین این روایت رو، میگه طوری آتش جنگ بالا می گیره که گوشت بدن آدم ها می ریزه، میگن آقا این ریختن گوشت یعنی جریان هسته ای، اونا هم اتفاقا میگن جنگی که بین مسیح و ضد مسیح اتفاق می افته جنگ هسته ای، کجاست؟ مرز لبنان و مرز رژیم غاصب صهیونیستی، یعنی فلسطین اشغالی، اونجا این اتفاق می افته، مسیحی ها هم میگن چون این زمینه ی ظهوره، ازش حمایت می کنند، اگه الان شما می بینید پروتستان های دارن از یهودی ها و تشکیل حکومت اسرائیل دفاع می کنن چون میگن اینا زمینه ساز ظهور مسیح اند...

3- دوره سوم مصائب و مشکلاته که جنگ و شورش و اینا اتفاق می افته.

4- دوره چهارم ظهور مسیح: مسیح با تمام ایمان داران به زمین میاد.

5- هزار سال حکومت

6- آزادی از بند شیطان

یک چند تا عبارت براتون بخونم، نگاه کنید اِشعیا باب 60 آیه 19 گوش کنید، عبارت سطر دوم: «او خود، جهان را به نور خویش روشن خواهد کرد، چنانکه مکتوب است بار دیگر آفتاب در روز نور تو نخواهد بود، و ماه با درخشندگی برای تو نخواهد تابید، زیرا که یهود نور جاودانی تو و خدایت زیبایی تو خواهد بود.»

او خود، جهان را به نور خویش روشن خواهد کرد، آیه قرآنش چیه؟ « وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا - سوره زمر آیه 69 » یعنی روشن خواهد شد زمین به نور رب زمین، رب اینجا به معنی مربی زمینه، این عین عبارت قرآنه، گوش کنید تو کجا اِشعیا باب 60 آیه 19 او خود جهان را به نور خویش روشن خواهد کرد.

سطر بعدی، ببینید دوران ظهور چقدر برای اینا و برای ما دوران طلائییه ها، چه اتفاقات عجیب و جالبی می‌خواد بیفته، «خداوند از اورشلیم آب روان جاری خواهد کرد و هر کس که بیماری داشته باشد به واسطه آن شفا خواهد یافت، درختان را وادار می‌کند تا هر ماه میوه آورند...» حالا در زمان ظهور امام زمان(علیه السلام) داریم که نعمت به وفور خواهد بود، درختان دیگه آفت ندارند، بهترین نوع میوه رو، بهترین انواع کشاورزی‌ها رو، بهترین شرایط جَوّی رو، دیگه اون‌جا ظاهراً نباید عذاب الهی باشه، بعد میگه «انسان از آن میوه‌ها می‌خورد شفا میابد، آن نهر در این طرف، و آن طرف هم درخت خوراکی خواهد رویید، برگ آن نخواهد پژمرد میوه‌اش تمام نخواهد گشت، هر ماه میوه تازه خواهند خورد، حتی عبارت داریم که حیوانات هم به عدالت می‌خورند... خداوند اورشلیم را سنگ‌های یاقوت و کبود را از نو بنا خواهد کرد چنانچه آمده است اینک من سنگ‌های تو را از سنگ سرمه نصب خواهم کرد و بنیاد تو را با سنگ‌های یاقوت... گرگ با بره سکونت خواهد داشت، پلنگ با بزغاله خواهد خوابید، گوساله و شیر و گاو پرور با هم خواهند زیست و طفل کوچک آن‌ها را خواهد راند و گاو با خرس خواهد چرید، بچه‌های آن‌ها با هم خواهند خوابید...» یک تصویری داره برایشون ایجاد می‌کنه، میگه اینقدر عدالت فراوان میشه که از این وضعیت انسانها خارج میشن، مرگ‌های غیرطبیعی نابود خواهند شد و خداوند اشک رو از هر چهره‌ای پاک خواهد کرد و آر و ننگ قوم خود را از روی زمین رفع خواهد کرد، زیرا خداوند چنین گفته...

حجة الاسلام والمسلمین عباسی

موضوع: منجی در ادیان

تاریخ: جمعه ۱۷ دیماه ۱۳۹۵